



سخنرانی رحمان حسین زاده در نشست دوم شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری

پروژه سیاسی را بررسی کنیم که تضمین کند کمونیسم در تحولات آتی سیاسی دست بالا بیداند و کمونیسم کارگری به نیروی اول معادلات سیاسی جامعه تبدیل شود. اگر ژورنالیست مورد اشاره هم همانند بعضی‌های دیگر بپرسد:

تاثیر بسزایی خواهد گذاشت. فرض کنیم اگر یک ژورنالیست و یا نماینده رسانهای در اینجا حضور می‌داشت، از یکی از ماها و از جمله از من می‌پرسید، در یک جمله کوتاه هدف این نشست شما چیست؟ من در جواب می‌گفتم **"ما جمع شده‌ایم در اوضاع کنونی جامعه ایران و کردستان**

جمع شویم و پروژه‌های سیاسی ایندوره را مورد بحث و بررسی قرار دهیم. خودتان میدانید موضوعات سیاسی مهمی در دستور کار این نشست است. انتظار دارم با بحث و بررسی همه جانبه، نتایج خوبی را استنتاج کنیم که فکر میکنم بر پیشرویهایی آتی حزب در کردستان

رفقا و دوستان عزیز! به دومین نشست شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب خوش آمدید. بسیار خوشحالم که این فرصت ایجاد شده تا صفتی از کمونیستهای برجسته و دخیل در دو دهه مبارزات سیاسی و اجتماعی جامعه کردستان به دور هم

هر تلاشی برای رژیم اسلامی تطهیر را به شکست می‌کشانیم!
صفحه ۳
به یاد رفیق عبدالله نودینیان
صفحه ۴



سرمدیر: ایرج فرزاد
iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵
فاکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S
Box 15203
104 65 Stockholm

پست گиро: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

رادیو انترناسیونال

هر شب

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

طول موج

۳۱ متر برابر با

۹۹۴۰ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹
اطلاعات و پیامگیر رادیو:

۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷

روزهای یکشنبه

نیم ساعت به

زبان کردی

ناسیونالیستهای کرد درون کومله بوجود آورد که جمهوری اسلامی در حال تقسیم کردن قدرت با حزب دمکرات و دادن خودمختاری به آن است. تصور مذاکره با جمهوری اسلامی و عطش نشستن بر خوان موهم تقسیم قدرت با حزب دمکرات و شرکت در یک ساخت و پاخت سیاسی تحرک وسیعی را در صفوف این جریان شکل داد. اما با وجود حزب دمکرات کردستان تنها ابزار اینها برای به بازی گرفته شدن استفاده از نام کومله بود. بدون این نام اینها بعنوان یک گروه کوچک ناسیونالیست افراطی هیچ شانس برای شرکت در این پروسه برای خود نمیافتند. امکان استفاده از نام کومله باتوجه به اینکه این باند اقلیت کوچکی را در کومله را تشکیل میدادند منتفی بود. اینها راه توطئه‌گری تشکیلاتی و تهدید نظامی با استفاده از نیروی اتحادیه میهنی برای تسلیم کومله را در پیش گرفتند

د - رشد کمونیسم کارگری در صفحه ۳

قطعه‌نامه در باره باند انشعابی از کومه له (سازمان زحمتکشان)

سانتر در رهبری کومله نیز مجبور گردید که علیرغم فصل مشترکها و منفعت‌های تشکیلاتی مشترک خود با جریان ناسیونالیستی در مقابل کنار گذاشته شدن خود و یک کاسه شدن رهبری کومله به نفع جریان ناسیونالیست مقاومتی ضعیف را سازمان دهد. با شکست پروژه یک بنی کردن کومله بنفع جریان ناسیونالیست، این جریان به توطئه‌گری سیاسی و تشکیلاتی روی آورد.

ب - ضعف و تشتت حزب دمکرات و ناتوانی‌اش از اعمال یک رهبری منسجم بر گرایشات و محافل ناسیونالیستی کرد در ایران جریان ناسیونالیست درون کومله را به این نتیجه رساند که یک پرچم ناسیونالیسم افراطی و میلیتانت میتواند شانس پرکردن این خلا را داشته باشد.

ج - جریان دوم خرداد و تلاش‌های آگاهانه دستگاه‌های سیاسی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی این توهم را در صفوف

کارگری و به‌همراه آن بخش اعظم کادرها و اعضای کومله از حزب کمونیست ایران و کومله در سال ۱۹۹۱ و ناتوانی مزمین جریان سانتر باقی مانده در کومله و حزب کمونیست ایران در مبارزه با ناسیونالیسم کرد موقعیت و موازنه قدرت گرایشات سیاسی درون کومله را تغییر داد. گرایش حاشیه‌ای ناسیونالیستی کرد میداندار شد. کمپین این جریان علیه حزب کمونیست کارگری و مبانی فکری شکل‌گیری حزب کمونیست ایران درجه‌ای بود که این جریان ناسیونالیستی از طریق آن کوشید تا هویت سیاسی و فکری کومله را بنفع خود تجدید تعریف کند. این تلاش از موضعی تشکیلاتی گرا، یعنی از زاویه حفظ انسجام تشکیلات تحت هر پرچمی، مورد تأیید و همراهی ضمنی جریان سانتر در کومله قرار گرفت. تلاش برای تجدید تعریف کومله و یک دست کردن رهبری کومله، بنفع جریان ناسیونالیستی کرد، با مبارزه و افشاکاری پیگیر حزب کمونیست کارگری ایران ناکام ماند. جریان

انشعاب مرداد ۱۳۷۹ (اوت ۲۰۰۰) از کومله که تحت نام "سازمان زحمتکشان" صورت گرفت، انشعابی دست راستی و ارتجاعی بود. موضع حزب کمونیست کارگری ایران همان موقع در سخنرانی منصور حکمت در انجمن مارکس لندن و همچنین مقالات مختلف مندرج در نشریه انترناسیونال منعکس گردیده است. در این قطعه‌نامه رئوس اساسی این موضع اعلام میشود:

۱ - انشعاب دست راستی از کومله بر گرایش ناسیونالیستی کرد متکی بود که از همان ابتدای تشکیل کومله و سپس در درون حزب کمونیست ایران، ولو به طور حاشیه‌ای، وجود داشت. تغییر شرایط سیاسی مجال دادن تعیین سیاسی و تشکیلاتی را به این جریان داد. فاکتورهای اساسی در فراهم آوردن این امکان عبارتند از:

الف - جدایی رهبری کمونیسم

هر تلاشی برای تطهیر رژیم اسلامی را به شکست می کشانیم!

در مورد تاتر خانه "برنارد الب" و پائل تحت عنوان "سکوت یا دیالوگ" در مالمو و استکهلم

کنفرانس برلین، یکی از مهمترین پروژه های دولتهای آلمان و جمهوری اسلامی، که هدف آن فروختن خاتمی به مردم و دادن چهره ای دیگر از جمهوری اسلامی بود، با تلاش قاطعانه حزب کمونیست کارگری و مخالفین جمهوری اسلامی به شکست کشیده شد. اما تلاش برای قبولاندن رژیم اسلامی توسط دولتها و نهادهای فرهنگی وابسته به آنها، بعد از شکست کنفرانس برلین و حتی بعد از شکست دو خرداد، خاتمه نیافته است.

تفاوت اینجاست که دیگر نمیشود امثال جلاتی پور قاتل را در مقابل مردم گذاشت و یا مضحکه "جمهوری اسلامی لیبرال" را راه انداخت. اینبار از آبروی کسانی مانند فدریکو گارسیا لورکا، نمایشنامه نویس و شاعر اسپانیایی که توسط فرانکو فاشیست اعدام شد، مایه میگذارند. نفس اینکه از کنفرانس برلین و مراسم تعزیه به تاتر لورکا رسیده اند خود گویای سد محکمی است که در مقابل رژیم اسلامی در خارج وجود دارد. اما سوال اینست که اجرای یک تاتر چه نیازی به پائل، آنها تحت عنوان "سکوت یا دیالوگ" دارد؟ نقش خانم آنا لیند وزیر امور خارجه سوئد، که اخیرا با حجاب اسلامی در ایران بودند، در این سناریو چیست؟ بعد از سوئد نوبت کدام کشور است؟

"سکوت و دیالوگ" مشخصه سیاست خارجی دولت سوئد و دیگر دولتهای اروپایی نسبت به رژیم اسلامی بوده است، سکوت در برابر جنایات آن و باز کردن باب بحث و رسمیت دادن به رژیم اسلامی. صورت مساله واقعی "سکوت یا دیالوگ" نیست، بلکه سکوت یا اعتراض است. در این طرح، وزارت خارجه دولت سوئد نقش اصلی را ایفا میکند. آقای روبرتو جولی و دیگران نقش کاتالیزور این سیاست را بعهده دارند. هدف تور گذاشتن پانلهای متعدد نیز جا انداختن اولیه این طرح است. آقای روبرتو جولی چند ماه قبل در تلاشی ناموفق کوشید که پای روضه خوانها و تعزیه گردانهای حکومت اسلامی را به

فستیوالها و جشنوارههای اروپایی باز کند. فستیوال تاتر شهر مولهایم آلمان محل اجرای تعزیه خوانی، یکی از منحصرترین جلوه های فرهنگی اسلامی، مورد اعتراض بحق فعالین حزب کمونیست کارگری و هنرمندان معترض و مردم آزادیخواه قرار گرفت. این حرکت های اعتراضی موجب شد که تعزیه خوانها برنامه به اصطلاح هنریشان را لغو کنند و عملا برنامه تعزیه خوانی در آلمان تعطیل شد. این بار آقای روبرتو جولی از تعزیه گردانی به اجرای تاتر "خانه برنارد الب" اثر لورکا روی آورده است. اما شرم آور این است که اجرای اثر لورکا را بهانه حمایت از فرانکویهای حاکم بر ایران قرار داده است.

دولت سوئد و هر کس دیگری باید مطمئن باشند که حزب کمونیست کارگری و مردم آزادیخواهی که از جهنم حکومت اسلامی فرار کرده اند، هر تلاشی برای آبرو خریدن برای جمهوری

اسلامی و این حکومت سرکوبگر، ضد آزادی، ضد هنر، ضد هنر، را افشا خواهند کرد. در این میان هم آقای روبرتو جولی و وزارت امور خارجه سوئد، حاصلی جز نفرت مردم آزادیخواه نخواهند داشت. جمهوری اسلامی را با هیچ تلاشی نمیتوان مشروع و مترقی جلوه داد. سران حکومت اسلامی، که اینها دیالوگ و حمایت از آنانرا بجای مبارزه علیه آنها توصیه میکنند، در ردیف هیتلر و فرانکو و پینوشه قرار دارند. اینها فتوای قتل سلمان رشدی را داده اند و دهها نفر امثال لورکا را همراه با صدهزار نفر از کمونیستها و مخالفین حکومت اعدام کرده اند. تلاش برای آبرو خریدن برای اینها فقط به بی آبرویی بیشتر منجر خواهد شد. ما این را تضمین میکنیم.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - کمیته سوئد
۲۰۰۲ مه ۴

سخرانی رحمان حسین زاده

آیا این اراده گری و ذهنی گری نیست؟ از او میخواهم چند دقیقه وقت بیشتر لازمست، تا واقعیاتی را تاکید کنم. به وی خواهم گفت، این تجمع رهبران و کادرهای برجسته کمونیستی است که تجسم دو دهه مبارزات کمونیستی و اجتماعی در ابعاد متنوع سیاسی، توده ای و نظامی هستند. ریشه در جنبش چپ و برابری طلبانه ای دارند که خود آن از جمله کوچ تاریخی مریوان، تحصن مشهور سنندج، جنگ ۲۴ روزه سنندج، سازماندهندگان مبارزه نظامی علیه جمهوری اسلامی، دست اندرکاران بسیاری از اعتراضات توده ای و کارگری، فعالین برگزاری ماه مه بوده اند. به او خواهم گفت این تجمع بخش کردستان جنبش و حزبی است که پیوستگی نظری و سیاسی و پراتیکی دو دهه فعالیت کمونیستی را نمایندگی میکند و اهداف و سیاست و تجارب ایندوران را به معرض قضاوت میگذارد و با افتخار از آن دفاع میکند. کاری که هیچ

جنبش و حزب دیگری در صحنه سیاسی ایران و کردستان نمیتواند چنین ادعایی در مورد سابقه خود داشته باشد. به او خواهم گفت جنبش چپ و کمونیستی ما با افق و سیاست روشن تر از گذشته تداوم یافته، و در دل استبداد و اختناق وحشیانه جمهوری اسلامی سرو سامان بیشتری گرفته و آخرین ابراز وجود آن را در ۸ مارس و ماه مه امسال و در اعتراضات و تظاهرات یکساله اخیر دیده ایم و نه تنها بخش زیادی از این کادرها پیوند ناگسستنی خود را با این مبارزات حفظ کرده، بلکه نسل جدید رهبران و فعالین کمونیست دست اندرکار در شهرها، هدایت گر این مبارزات بوده و انرژی و توان بیشتری به جنبش ما بخشیده است. به او خواهم گفت تجمع سیاسی کنونی ما را در کنار تجمع و متیننگ ۳ روز قبل کارگران و مردم معترض شهرهای سقز و سنندج و دیگر شهرها ببیند، تا تصویر کاملتری از جنبش ما را برای تغییر این وضعیت به دست آورد. به او خواهم گفت ما جزو سازندگان قطب چپ و کمونیستی جامعه کردستان هستیم که در دوره قیام ۵۷ و سالهای بعد از آن

علیرغم عدم شفافیت و ناروشنی بسیاری و حتی در غیاب حزب کمونیستی قوی به مانند امروز، اجازه ندادیم جمهوری اسلامی به آسانی خود را مستقر کند و امکان ندادیم، جنبش بورژوا - ملی کرد و حزب مربوطه اش (حزب دمکرات) یکه تازی کند و سرنوشت سیاسی جامعه کردستان را رقم زند. به او خواهم گفت جامعه امروز، بیش از هر زمان دیگری برای رهایی خود، به کمونیسم احتیاج دارد. کارگران، زنان، جوانان، و همه انسانهای تشنه آزادی و رهایی به کمونیسم کارگری نیازمندند و این مبنای قدرت ماست. و نهایتا به او خواهم گفت اینجا نشست رهبران و کادرهای کمونیستی است که در دو دهه مبارزه انقلابی بسیاری مشکلات را تجربه کرده و موانع متعددی را خنثی کرده اند. اینها خوش خیال نیستند، و موانع و مشکلات سرراشان را میدانند، صف آراییهای مقابل خود، طرحها و نقشه های دشمنان محلی و منطقه ای و بین المللی سد راه قد علم کردن یک جریان کمونیستی و تصرف قدرت توسط آن را میشناسند و برای خنثی کردن آنها چاره جویی

میکندند. آنوقت از او خواهیم پرسید، بنا به همه این فاکتورها آیا محق نیستیم، که تلاش کنیم جنبش ما، طبقه کارگر و مردم آزاده سرنوشت سیاسی آتی جامعه را رقم زنند؟ دوستان اگر درست یادم باشد، فکر میکنم دو سال قبل منصور حکمت عزیز در نامه ای به دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق نوشت. "در کشورها و جوامع استبدادی مثل عراق و ایران و... کمونیسم باید پیروز شود، در غیر اینصورت شکستش خواهند داد، راه بینابینی نیست. کمونیسم در این جوامع موزه ای نیست که بگذارند سالها به دیدنش رفت، عمارت تاریخی نیست، که تحمل کنند سالها سرپا بماند". به نظر من هم کمونیسمی که سرسازش با مذهب و اسلام، با ملی گرایی و ناسیونالیسم، با خرافه و ارتجاع، با هیچ جنبه ای از نظام جهانی سرمایه ندارد، اگر قدرتمند نباشد، نمیگذارند سر به تنش بماند. از این جنبه هم ما موظفیم کمونیسم را نیرومند و پیروز کنیم. قدرتمند کردن کمونیسم در سطحی که تضمین کنیم نیروی اول معادلات سیاسی جامعه کردستان باشد، میتواند

پیام اصلی این نشست و قطب نمای اصلی تحرک و پراتیک سیاسی و عملی ما از همین الان و به دنبال این نشست باشد. در خاتمه جا دارد قبل از اتمام سخنانم به موضوع ناگوار عدم حضور رفیق و رهبر عزیزمان منصور حکمت در این نشست اشاره کنم. معمولا در نشستهای بزرگ حزب ما و از جمله نشستهای تشکیلات کردستان منصور حکمت عزیز و دوست داشتنی حضور میداشت و الهام بخش جمع و نشستهایمان بوده است. غیبت وی هم اکنون بر نشستمان سنگینی میکند و متاسفانه با هیچ دعوتنامه و مطلع نمودن از قبل نمیتوانستیم (نادر عزیزمان) را در این نشست و در کنار خود داشته باشیم. امیدوارم با بهبودی وی منصور حکمت سخران اول نشست سوم تشکیلات کردستان حزب باشد. در نشست فعلی هم مصممیم با پیروی از متد و افق و روش و سبک منصور حکمت، جوابگوی وظایف پیشارویمان باشیم و خلا عدم حضور وی را کاهش دهیم. موفق باشید.

◀◀ قطعه‌نامه در باره باند انشعابی از کومه له

شهرهای کردستان عرصه فعالیت سیاسی بر این جریان را تنگ و تنگتر میکرد. بی خطی تشکیلات موجود آنرا فاقد امکان مقاومت در مقابل این رشد سریع کمونیسم کارگری میکرد و یک کاسه کردن قدرت در رهبری کومه‌له برای جماعت مهتدی-ایلخانی از همیشه ضروری‌تر میساخت.

ه - تلاش اتحادیه میهنی کردستان و شخص جلال طالبانی برای شکل دادن به شاخه ایرانی خود در مقابل حزب دمکرات و بعنوان اهرمی برای نزدیکی به جمهوری اسلامی، کمک و حمایت مالی، سیاسی و نظامی اتحادیه میهنی از کودتای تشکیلاتی راست در کومه‌له به سرکردگی باند مهتدی - ایلخانی را ممکن ساخت.

فاکتورهای فوق منجر به پاکبازی یک کودتای تشکیلاتی توسط اقلیت کوچکی از کومه‌له، سرکردگی عبدالله مهتدی و عمر ایلخانی‌زاده، گردید. هدف این کودتا تصرف رهبری کومه‌له به اتکا به حمایت مالی، تدارکاتی و نظامی اتحادیه میهنی کردستان بود. این کودتا با دخالت حزب کمونیست کارگری ایران و مقاومت ضعیف جریان سانتر در رهبری کومه‌له شکست خورد. باند مهتدی - ایلخانی و اقلیت کوچکی از کومه‌له

چتر عمومی ناسیونالیستی حزب دمکرات برای جذب جریان راست در جامعه، قدرت بسیج این جریان بشدت محدود است. اینها بنا به خصلت فاشیستی خود تنها میتوانند بعنوان یک نیروی تروریستی و باند سیاهی علیه چپ در جامعه ایجاد مزاحمت کنند. این جریان در بهترین حالت به عنوان دارودسته مسلح فالانژ مورد حمایت ارتجاع در منطقه قد علم کرده و میتواند موی دماغ نیروهای مترقی، جنبش کمونیستی کارگری و مدنیت جامعه باشد و با فالانژیسم و چاقوکشی محیط سیاسی کردستان را آلوده کند.

با توجه به مولفه‌های فوق حزب کمونیست کارگری ایران قویا تاکید میکند که:

- ۱ - تنها سیاست اصولی، آزادی‌خواهانه و انقلابی افشا و منزوی کردن این جریان است. ماهیت سیاسی پدیده "سازمان زحمتکشان" به عنوان گروه باند سیاهی فاشیست مسلح باید افشا شود. اجزای سیاستها و عملکردهای ارتجاعی آنها برای مردم توضیح داده شود و تلاشهای ماجراجویانه این جریان در کردستان، بخصوص در پروسه سقوط جمهوری اسلامی، به قدرت تمام پاسخ گیرد.
- ۲ - این جریان موجودیت سیاسی خود را بر ناسیونالیسم افراطی کرد و بر گسترش و تعمیق

شکافهای ملی و قومی استوار کرده است. این نفرت و فالانژیسم ملی قرار است ابزار معامله اینها برای شریک شدن در قدرت سیاسی با دولت مرکزی باشد. پلاتفرم فدرالیسم آنها بیان این واقعیت بوده و چیزی جز قوم پرستی آشکار و پیامی برای پاکسازی قومی در آینده نیست. این سیاست ارتجاعی و ضد انسانی را باید افشا و خنثی نمود.

۳ - استفاده از نام کومه‌له توسط باند مهتدی - ایلخانی یک سرقت سیاسی است که تنها در زیر حمایت نظامی اتحادیه میهنی کردستان امکان پذیر گردیده است. این استفاده باید محکوم گردد و هیچ سازمان و جریان جدی سیاسی نباید اینها را با این نام مورد خطاب قرار دهد. اهداف و سیاستهای این جریان و عملکردها و پراتیک آن ربطی به گذشته چپ و کمونیستی کومه‌له ندارد و در مقابل همه تصمیمات کنگره‌ها و کنفرانسهای کومه‌له و حزب کمونیست ایران است و این جماعت اقلیت کوچکی در کومه‌له را تشکیل میدادند.

۴- توطئه‌های پنهانی سران این جریان در همدستی با جلال طالبانی به منظور انشعاب در کومه‌له، و سپس حرکت کودتایی آن علیه کومه‌له و به گروگان گرفتن کنگره سازمانی آن و اعمال قلدری و گردنه بگیرانه آنها برای تصرف اموال و امکانات کومه‌له با اتکا به اتحادیه میهنی، کمپنیسم

و بی پرنسیبی اینها در دامن زدن به نفرت شخصی و قومی از حزب کمونیست کارگری ایران، و بخصوص منصور حکمت، و ماجراجویی‌های دائم نظامی آن علیه اردوگاههای کومه‌له، ماهیت فاشیستی، دست راستی و لمپنی این جریان را به خوبی نشان میدهد. این باند فالانژ مسلح و توطئه‌گر و قوم پرست دست ساز اتحادیه میهنی و طالبانی را به همین عنوان باید به مردم معرفی و رسوا و منزوی نمود.

حزب کمونیست کارگری با تمام توان برای تقویت افق و سیاست آزادیخواهانه کمونیستی و تبدیل آن به نیروی اصلی صحنه سیاست در کردستان تلاش میکند. مردم ایران و کردستان شایسته زندگی انسانی، مرفه، مدرن و برخوردار از آزادی و برابری هستند تضمین چنین آینده‌ای علاوه بر سرنگونی جمهوری اسلامی نیازمند کنار زدن جریان‌های دست راستی و فالانژیستی نظیر سازمان زحمتکشان است.

هیات دائم دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۱ -
۳ مه ۲۰۰۲

از سایت روزنه دیدن کنید!

www.rowzane.com

سایت کلیه احزاب و سازمان های اپوزیسیون، به رادیوهای فارسی زبان، و به نشریات چاپ ایران دسترسی پیدا کنید.

مطالب، اطلاعیه ها و نظراتتان را برای روزنه بفرستید.
rowzane@yahoo.com

در سایت روزنه میتوانید نشریات و اطلاعیه های سازمان های سیاسی، مقالات متعددی از شخصیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و گزیده ای از مطالب نشریات چاپ ایران را مطالعه کنید. از طریق سایت روزنه میتوانید به

یک دنیای بهتر،

برنامه حزب

کمونیست کارگری

را بخوانید و آنرا

وسیعاً در میان

دوستان و آشنایان

خود پخش کنید!

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

دومین نشست وسیع شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری ایران با موفقیت برگزار شد

کمیونست کارگری ایران ضمن ابراز تأسف از عدم حضور رفیق و رهبر عزیزمان منصور حکمت در این نشست به دلیل بیماری از هیئت اجرایی کمیته کردستان خواست از جانب نشست دوم شورای کادرها پیامی به منصور حکمت ارسال کند. سپس نشست دوم شورای کادرهای تشکیلات کردستان با سخنان پایانی رحمان حسین زاده و در میان شور و شوق شرکت کنندگان پایان یافت. به دنبال این نشست، کمیته کردستان تازه انتخاب شده بلافاصله جلسه کوتاهی برگزار کرد و رحمان حسین زاده به عنوان دبیر کمیته کردستان و اسد نودینیان به عنوان خزانه دار کمیته و هیئت اجرایی ۱۳ نفره متشکل از ۱- عبدالله دارابی ۲- حسین مرادیبیگی ۳- فلاح شیخ ۴- ایرج فرزند ۵- هلاله طاهری ۶- خالد حاج محمدی ۷- مجید حسینی ۸- محمد فتاحی ۹- صالح سرداری ۱۰- مظفر محمدی ۱۱- محمد آسنگران ۱۲- رحمان حسین زاده ۱۳- اسد نودینیان انتخاب شدند.

کمیته کردستان حزب

کمیونست کارگری ایران

نوزدهم اردیبهشت ۱۳۸۱
۹ مه ۲۰۰۲

جوابگوی وظایف سیاسی و عملی خود در این دوران حساس و در قبال نقطه عطف‌های آن باشد. در بخش پایانی، نشست دوم شورای کادرها ۳۸ نفر را برای عضویت در کمیته کردستان انتخاب نمود که عبارتند از:
۱- اسد نودینیان ۲- اسد گلچینی ۳- فاتح شیخ الاسلامی ۴- رحمان حسین زاده ۵- هلاله طاهری ۶- خالد حاج محمدی ۷- محمد فتاحی ۸- حسین مرادیبیگی (حمه سور) ۹- عبدالله دارابی ۱۰- نسرين رمضانعلی ۱۱- ایرج فرزند ۱۲- صالح سرداری ۱۳- محمد آسنگران ۱۴- مجید حسینی ۱۵- محمد فضل‌ی ۱۶- جلال برخوردار (جلال کاکي) ۱۷- مظفر محمدی ۱۸- نسان نودینیان ۱۹- طه حسینی ۲۰- محمد راستی ۲۱- صلاح ایراندوست ۲۲- همایون گداگر ۲۳- اسماعیل ویسی ۲۴- ایرج فرجاد ۲۵- سارا محمد ۲۶- داریوش نیکنام (علی کرمانشاه) ۲۷- حیدر گوپلی ۲۸- پرشنگ بهرامی ۲۹- یدی کریمی ۳۰- خالد علی پناه ۳۱- غفار غلام ویسی ۳۲- حامد خاکی ۳۳- گلاویژ قادرنژاد ۳۴- پروین کابلی ۳۵- عبدالله شریفی ۳۶- عمر کریمی ۳۷- عبدالله صید مرادی ۳۸- سیوان رضایی
دومین نشست وسیع شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب

در این مبارزات، ایجاد تشکلهای توده‌ای و به میدان کشیدن پتانسیل قوی این مبارزات از نکات اصلی این مبحث بود. در بخش پایانی مباحث سیاسی، قطعنامه در مورد باند انشعابی از کومه‌له "سازمان زحمتکشان" مصوب هیئت دایم دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری معرفی و مورد بحث قرار گرفت. حاضرین در نشست دوم با طرح نظرات خود در مباحثات بالا فعالانه شرکت کردند. نشست دوم شورای کادرها در فضایی فعال و زنده به موضوعات سیاسی در دستور پرداخت. محور اصلی کلیه مباحث و سخنرانیها به این موضوع اشاره داشت که در بطن فضای متحول سیاسی ایران، جنب و جوش گسترده اعتراضی همه شهرهای کردستان را در بر گرفته و چشم انداز ادامه این فضای اعتراضی و گسترش جنبش اجتماعی رادیکال و چپ و تاثیر گذاری وسیع کمیونسم کارگری مشهود است. نشست شورای کادرها تاکید داشت که تشکیلات کردستان حزب با افق و سیاست روشن و آمادگی بسیار بالا لازمست به استقبال این وضعیت برود و

استراتژی که در دستور دارد، در این مبحث مورد بررسی قرار گرفت و بر پراتیک سیاسی و اجتماعی و پر کردن کمبودهایی تاکید شد، که ضامن تبدیل کمیونسم به نیروی اول معادلات سیاسی در تحولات آتی جامعه کردستان باشد. دستور جلسه بعدی بررسی "موقعیت جنبش ملی کرد در منطقه" بود. فاتح شیخ در این مبحث تاریخچه جنبش ملی کرد، موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی این جنبش، ناکامیهای سیاسی آن و ضدیت افق و سیاست جنبش ملی با خواست و آرزوهای آزادیخواهانه مردم کردستان را بررسی کرد و ناتوانی مزمز این جریان از ارائه راه حل رفع ستم ملی و حل مسئله آلترناتیو و راه حل کمیونستها برای رفع تبعیض ملی و حل مسئله کرد اشاره داشت. در موضوع "تحركهای اجتماعی در شهرها" مظفر محمدی تحرك اعتراضی در شهرها و مطالبات و شیوه‌ها مبارزاتی جنبش اعتراضی و عرصه‌های اجتماعی اصلی این مبارزات را بررسی کرد. تأمین رهبری کمیونستی

در روزهای شنبه و یکشنبه (چهاردهم و پانزدهم اردیبهشت ۱۳۸۱) دومین نشست سالانه شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری ایران با حضور ۱۳۰ نفر از اعضای شورا و ناظرین و مهمانان برگزار شد. نشست با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانبختگان راه آزادی و کمیونسم رسمیت یافت. سپس هیئت رئیسه و آیین‌نامه برگزاری نشست تعیین و تصویب شد. نشست دوم شورای کادرها با گفتار افتتاحیه رحمان حسین زاده دبیر کمیته کردستان حزب مباحثات خود را شروع نمود. در مبحث دیگری کورش مدرسی رئیس دفتر سیاسی حزب به نقش و جایگاه تشکیلات کردستان و مصافهایی که پیشارو دارد، اشاره کرد. "موقعیت ما و چشم‌انداز آتی کار" مبحث بعدی نشست بود که از جانب رحمان حسین زاده ارائه شد. موقعیت جریان کمیونستی در دو دهه تحولات جامعه کردستان و مسیر سیاسی که طی نموده و موقعیت کنونی کمیونسم کارگری به عنوانی جنبشی قوی و اجتماعی و

کمیونست، رزمنده انقلابی و چهره محبوب مردم شهر و روستاهای مریوان عبدالله نودینیان در درگیری سنگر به سنگر جان باخت. و یاد و خاطرات عزیزش را برای همیشه برای ما بعنوان نسلی از کادرهای کمیونست، خلاف جریان و مدافعین کمیونسم کارگری بجا گذاشت. عبدالله نودینیان کادر کمیونست و مبارز متشکل در درون کومه‌له بود. رشد انقلابی و منش کمیونستی این مبارز کمیونست برای رهایی بشریت و انسان بود. عزیزان جان‌باخته مبارزین راه آزادی بشریت و جامعه کمیونستی فارغ از ستم و کارمزدی امروز به نسل پرشور و کمیونست کمیونسم کارگری مربوط هستند. گرامی باد یاد این عزیزان!

در روستاها، بنکهای انقلابی این کانونهای حاکمیت مردم در محلات شهر، ستاد انقلابی و کانون نظامی دفاع از مردم و زحمتکشان، اداره انقلابی شهر تصویر همیشه درخشان در تاریخ مبارزات انقلابی و کمیونستی در کردستان است. نسل پیشروندگان و فعالین این تاریخ دهه‌ها انسان و کادر کمیونست و انقلابی بودند که فداکارانه و با احساس و مسئولیت انقلابی به نیازهای آندوره جواب دادند. در سحرگاه روز پنجمین ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸، در حالیکه واحدهای نظامی کومه‌له در ارتفاعات مشرف به پادگان مریوان بعنوان یک نقطه استراتژیک دفاع از شهر با نیروهای سرکوبگر و جنایتکار ارتش و سپاه پاسداران جمهوری اسلامی درگیری بودند، مبارز

به یاد مقاومت مردم و مبارزین شهر مریوان به یاد عبدالله نودینیان فرمانده نظامی نیروی مسلح کومه‌له در شهر مریوان!

به شهر مریوان برای خارج کردن این شهر از دست مردم و نیروهای مسلح مستقر در شهر شروع شد. نزدیک به ۵ ماه حاکمیت انقلابی و حضور سیاسی و مبارزین کمیونست متشکل در سازمان کومه‌له، برای هزاران هزار نفر از مردم شهر و روستاهای مریوان خارظه‌انگیز و پر از تجارب و خاطرات شیرین و رزمنده است. حاکمیت انقلابی شوراهای مردم در شهر، حاکمیت انقلابی شوراهای مردم

> پنجمین ۱۸ اردیبهشت، ۲۴ سال از حملات وحشیانه رژیم جنایتکار اسلامی به کردستان است. مقاومت و دفاع مردم شهرهای کردستان در مقابل حملات جنایتکارانه ارتش و سپاه پاسداران رژیم جمهوری اسلامی ایران، حماسه یک جنبش توده‌ای در کردستان است. در سال ۵۸ از اوایل اردیبهشت ماه شهر مریوان بعد از چند ماه حاکمیت و حضور کومه‌له در شهرها، بعد از سندانج حمله



نسان نودینیان